

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۳، ش ۳ (پیاپی ۳۱)، پاییز ۱۴۰۱

صص: ۳۵-۵۶

شاپا: ۲۲۵۱-۸۴۵۷

شکل‌گیری توطئه با تکیه بر نقش «منیژه» در «بیژن‌نامه»

علیرضا تابان‌مهر

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

دکتر محمدهادی خالق زاده (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

دکتر مهدی فاموری

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

چکیده

«تئوری توطئه» با سه رکن اساسی توطئه‌گر، توطئه‌باور و اصول و مفروضات توطئه از مسائلی است که در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی مورد توجه اندیشمندان این حوزه قرار گرفته‌است. می‌توان ریشه‌های این مسائل را در ادبیات حماسی و سیاسی کلاسیک جهان و ایران هم مورد بررسی و تحلیل قرار داد. بررسی نقش زنان و بازتاب سیمای آنها در آثار کهن یکی از مباحثی است که همیشه مورد توجه و بحث صاحب‌نظران بوده است. یکی از آثار حماسی که به‌نوعی انتحالی از شاهنامه فردوسی است و آن را منسوب به خواجه عمید عطاء بن ناکوک رازی دانسته‌اند، منظومه «بیژن‌نامه» است که به داستان بیژن و منیژه که به‌نوعی داستانی حماسی-عشقی است، پرداخته‌است. در این پژوهش تحلیلی-توصیفی سعی بر این است که سیمای «منیژه» به عنوان یکی از زنان که در شکل‌گیری ستیزی دیگر میان ایران و توران اثرگذار بوده و وقایع مهمی را در طی داستان رقم زده‌است، پرداخته شود. نقش منیژه در جنگ‌آفرینی و توطئه‌گری کنش و واکنش‌هایی را در طی داستان رقم زده که از ابعاد گوناگون قابل بررسی و تحلیل است. به نظر می‌رسد منیژه به‌عنوان بانویی حادثه‌ساز در این داستان دست به کودتایی علیه خانواده سلطنتی افراسیابی می‌زند و در زوال حکومت افراسیاب تاثیر داشته‌است. ازدواج برون‌قبیله‌ای به‌عنوان کنش فعالانه در این ستیز نقش بارزی دارد. نتایج پژوهش حاکی از این است که منیژه در دو توطئه از سه توطئه شکل گرفته در این منظومه نقش کلیدی داشته و بیشترین وقایع حاضر در این منظومه به سبب حضور منیژه شکل گرفته‌است.

واژگان کلیدی: توطئه، تئوری توطئه، توهم توطئه، جنگ‌آفرینی، منیژه، بیژن‌نامه

Email: monajatname@gmail.com

asatirpars@gmail.com

mehdifamoori@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳

۱- مقدمه

جنگ و جنگ‌آفرینی در همه ادوار تاریخی در سرزمین ایران مشاهده شده است. این ستیزه‌ها، چه در بخش اساطیری تاریخ ایران و چه در ادوار پهلوانی، تاریخ را رقم زده‌است. نه تنها مردان به‌عنوان جنگاورانی به میدان ستیز و جدل وارد شدند، زن‌ها هم، چه درباری و چه غیردرباری، در این جنگ‌ها نقش‌آفرین بودند. در شاهنامه فردوسی این مساله به وضوح مشهود است. گردآفرید بانویی جنگاور است که خود به کارزار وارد می‌شود و منیژه بانویی دیگر که بر سر عشق به دلاور ایرانی با پدر در می‌افتد و با کودتایی به برافتادن سلسله افراسیابی پدر یاری می‌رساند و با ایرانیان همراه می‌شود.

«توطئه» به عنوان یکی از مباحث اصلی در ستیزها و جنگ‌ها می‌تواند نقش کارسازی داشته باشد. مبحث «تئوری توطئه» نیز یکی از مسائلی است که در دنیای امروزی مابین قدرت‌های جهانی یکی از مباحث اصلی تلقی می‌شود که دارای مولفه‌ها و مفروضاتی است که در علوم اجتماعی و سیاسی مورد توجه است. این مساله به عنوان چهارچوب مفهومی اندیشه و نظریاتی را به خود اختصاص داده و از ابتدای خلقت بشر تاکنون در اشکال و ابعاد متنوع و گوناگون به‌عنوان ابزاری مخصوصا در حوزه سیاست مورد استفاده قرار گرفته‌است. در مساله توطئه‌گری، توطئه‌باوری و توطئه‌پذیری زنان و مردان نقش اصلی و گاه مکمل داشته‌اند. در جامعه داستانی نیز این نقش با زوایا و ابعاد مختلف شکل پذیرفته است. در ژانرهای حماسی، سیاسی و داستانی می‌توان شواهد و مصادیقی برای این مساله یافت. یکی از این انواع ادبیات حماسی است. در بخش‌های اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی این نوع ادبی و در شکل‌گیری جنگ‌ها و جنگ‌آفرینی‌های داخلی و خارجی این مساله مشهود است. نقش زنان تورانی در حماسه‌های ایرانی و تورانی نکته‌ای گریزن‌ناپذیر است. در شاهنامه فردوسی هم از زنانی غیرایرانی سخن گفته می‌شود که در روابط میان ایران و توران، به‌ویژه در جنگ‌آفرینی تاثیر بسیار داشته‌اند. گاهی این بانوان به همراه پهلوانان تورانی به ستیز پرداخته‌اند و گاه نیز همچون منیژه در داستان حماسی عاشقانه «بیژن و منیژه» به سود ایرانیان ایستادگی کرده‌اند. منیژه، دخت افراسیاب و خواهر فرنگیس، مادر پادشاه ایرانی است که به عشق بیژن، فرزند گیو، یکی از پهلوانان ایرانی که مطابق با شواهدی نوه دختری رستم است، در برابر پدر می‌ایستد و به سود ایرانیان ستیزی را رقم می‌زند که عشق در آن جانمایه اصلی قلمداد می‌شود.

در این پژوهش سعی بر این است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که منیژه به‌عنوان یک زن چگونه تأثیری در جنگ‌آفرینی داشته و ستیز میان ایران و توران تحت تاثیر نقش منیژه چگونه پیامدهایی داشته‌است؟ پرسش اصلی این است که با توجه به بحث «توطئه»

و «توطئه‌آفرینی» نقش منیژه در هرم قدرت توطئه چیست؟ روش پژوهش به صورت تحلیلی- توصیفی صورت پذیرفته و گردآوری اطلاعات براساس شیوه کتابخانه‌ای است. نمونه‌ها و مصادیق برای تحلیل از منظومه «بیژن‌نامه» است که در کتاب «هفت منظومه حماسی: بیژن‌نامه، کک کوه زادنامه، ببر بیان، پتیاره، تهمینه‌نامه کوتاه، تهمینه‌نامه بلند، رزم‌نامه شکاوند کوه» مندرج است که در سال ۱۳۹۴ به سعی و تلاش رضا غفوری به چاپ رسیده است.

پیشینه پژوهش

در تبیین پیشینه این پژوهش گفتنی است که منابع و مقالاتی به داستان بیژن و منیژه و تحلیل آن پرداخته‌اند که برخی از آنها به عنوان منبعی برای این مقاله تحلیلی و توصیفی قرار گرفته‌اند. از جمله مقالاتی که به این داستان از زوایا و ابعاد گونه‌گون پرداخته‌اند، می‌توان به مقاله «نشانه‌شناسی تقابل‌های ساختاری داستان بیژن و منیژه» (۱۳۹۶) و «منظورشناسی و تحلیل کارگفتار در گفتگوهای داستان بیژن و منیژه» (۱۳۹۷) به قلم صدیقه علی‌پور اشاره کرد. در این مقالات علی‌پور به تقابل‌های ساختاری داستان بیژن و منیژه در شاهنامه پرداخته و مطابق با نظریه نشانه‌شناسی آن را مورد واکاوی قرار داده است و در مقاله بعد به دیالوگ‌ها و گفتگوها پرداخته و منظورشناسی را مطابق با الگو مورد بررسی قرار داده است. در مقاله «بررسی ریخت‌شناسانه داستان «بیژن و منیژه» شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ» (۱۳۸۸) نوشته مسعود روحانی و عنایتی قادیکلایی، پژوهشگران مطابق با الگوی سی و دو شخصیتی ولادیمیر پراپ، الگوی ریخت‌شناسی را بر روی داستان بیژن و منیژه اعمال کرده‌اند. در مقاله «بازشناسی کهن‌الگوها و عناصر نمادین در داستان بیژن و منیژه» (۱۳۹۲) پژوهش جعفری و چوقادی، به کهن‌الگوها و سمبل‌های کهن‌الگویی در داستان بیژن و منیژه پرداخته شده است و به فردیت رسیدن قهرمانی بیژن اشاره شده که داوطلبانه پای در مسیر فردیت و رشد روانی می‌گذارد. مالیمیر و حسین پناهی در مقاله «بررسی ساختاری داستان بیژن و منیژه» (۱۳۹۱) به این مساله پرداخته‌اند که بررسی ژرف‌ساخت داستان نشان می‌دهد که ساختار این داستان تحت تاثیر آیین‌های باروری شکل گرفته و اشکال متنوع آن در دیگر داستان‌ها نیز وجود دارد. غفوری در مقاله «بیژن در روایت‌های حماسی ایران و نکته‌هایی درباره بیژن‌نامه» (۱۳۹۳) به معرفی منظومه انتحالی «بیژن‌نامه» پرداخته و عمده‌ترین پهلوانی‌های بیژن در روایت‌های حماسی ایران را بیان می‌کند و بخش‌های برافزوده منظومه بیژن‌نامه را بازگو می‌کند و درباره گوینده بیژن‌نامه و زمان سرایش این منظومه نیز نکاتی بازگو می‌کند.

از دیگر منابع می‌توان به مقاله «مقایسه عنصر طرح یا پیرنگ، در منظومه بیژن و

منیژه فردوسی و خسرو و شیرین نظامی» (۱۳۸۵) به قلم نیکوبخت و نوروزی، «دو بانوی عشق مقایسه تحلیلی-انتقادی شخصیت و جایگاه «هلن» و «منیژه» در دو حماسه ایلید و شاهنامه» (۱۳۸۸) نصر اصفهانی و میرمجربیان، سه روایت عاشقانه از دو سرزمین زال و رودابه، بیژن و منیژه، رومنو و ژولیت بررسی روایت شناختی و تحلیل گفتمان (۱۳۹۳) به قلم محمدی و بهرامی‌پور، مقاله «تحلیل سیر شخصیت قهرمان در یک داستان عاشقانه-قهرمانی از منظر نقد روان‌شناختی (بر مبنای مطالعه موردی: داستان بیژن و منیژه)» (۱۳۹۸) پژوهشی از صادقی و مقاله «مقایسه عاشقانه‌های حماسی و غنایی (با تکیه بر «زال و رودابه»، «رستم و ته‌مین» و «بیژن و منیژه» شاهنامه فردوسی و «خسرو شیرین» و «لیلی و مجنون» نظامی)» (۱۳۹۹) پژوهشی از علی‌اکبرزاده زهتاب اشاره کرد. در مبحث تئوری توطئه و توطئه نیز کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده که مقاله «تئوری توطئه؛ پدیده‌ای فراگیر و جهانی» (۱۳۸۰) به قلم زاهد غفاری هاشچین یکی از این نوشته‌هاست؛ اما مطابق با پژوهش‌های پژوهشگران در مورد توطئه و تئوری توطئه در منظومه حماسی-عاشقانه «بیژن‌نامه» و نقش منیژه به عنوان زنی جنگ‌آفرین با تکیه بر این اثر تاکنون مقاله یا کتابی مدون مشاهده نگردید.

چهارچوب مفهومی

توطئه و شکل‌گیری آن

معنای لغوی توطئه آماده کردن، با هم ساختن، زمینه‌سازی و مقدمه چیدن برای وصول به امری است (لغت‌نامه دهخدا) معادل لاتین آن conspiracy است. توطئه عبارت است از برنامه‌ریزی پنهانی و اقداماتی که با اتکاء به روش‌های غیرقانونی، غیر اخلاقی و معمولاً غیرمسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد و هدف از آن، پیشبرد اهداف و مقاصد فردی یا گروهی یا ملی به قیمت لطمه‌زدن به منافع و حقوق دیگران در یک کشور و یا در سطح بین‌المللی است (۱۹۹۸, pipes: ۹) «توطئه به این معنا (به شکل عینی و واقعی) از ابتدای خلقت بشر تاکنون در اشکال و ابعاد متنوع وجود داشته و به‌عنوان ابزاری مخصوصاً در حوزه سیاست مورد استفاده قرار گرفته است.» (غفاری‌هاشچین، ۱۳۸۰: ۱۳۱) توطئه در اصل یک واژه حقوقی در سنت آمریکایی-انگلیسی است (دائرة المعارف بریتانیکا) که دلالت بر توافق میان دو یا چند فرد جهت انجام عملی غیرقانونی یا وصل به یک هدف قانونی با تمسک به ابزارهای غیرقانونی دارد. واژه‌نامه حقوقی (Blacks Law Dictionary) «نیز به هم پیوستن دو یا چند فرد برای انجام تلاش‌هایی مشترک به هدف اقدامات محرمانه را توطئه می‌خواند.» (کاشی، ۱۳۷۶: ۱۴)

«نظریه توطئه» به مثابه هذیانی عاقلانه، هر قدر بی‌معنی به نظر آید، باز چندان

غیرعقلانه نیست و اگر بهتر بگوییم به این دلیل که عاقلانه بودن خود را به مثابه قرائتی شدیداً انتقادی تحمیل می‌کند. همه چیز در آن نشانه است و هر نشانه هم بنا بر این اصل که «هرچه پس از چیزی پیش آید، لزوماً معلول همان چیز است» و یا اگر ساده‌تر بگوییم هر چه رخ می‌دهد، معلول کار کسانی است که از آن سود می‌برند. (ویتکین، ۱۳۸۴: ۲۷) معمولاً در یک توطئه با هرم قدرت مواجهیم. این هرم قدرت در شکل‌گیری توطئه در هر فرامتنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... تاثیر مستقیم دارد. برای دریافت توطئه در یک رویداد باید شخصیت‌ها و فرامتن‌ها را در نظر گرفت تا پیش‌زمینه و خاستگاه آن را دریافت. تئوری توطئه عمدتاً متشکل از سه رکن اصلی توطئه‌گران، توطئه‌باوران و مبانی تحلیل و مفروضات است.

۱. «توطئه‌گران» به قدرت‌ها، کشورها، افراد، گروه‌ها و کانون‌های نهان و آشکاری اطلاق می‌شود که نقش توطئه-چینی و توطئه‌گری را در تئوری‌های توطئه عهده‌دار هستند. در خصوص اینکه مصادیق و شواهد عینی توطئه-گران کدام است، بسته به جوامع و کشورهای مختلف پاسخ‌ها و مصادیق متفاوتی را می‌توان بیان کرد؛ به‌عنوان مثال (نمونه‌ای از جهان امروزی) به نظر ریچاردز هافستادر، نیروهای دست راستی آمریکا در طی تاریخ گمان کرده اند که کشور آمریکا به کام یک توطئه بین‌المللی رانده می‌شود. (غفاری هشچین، ۱۳۸۰ به نقل از زونیس و ژوزف، ۱۹۹۴: ۴۴۵-۴۴۴)

۲. رکن دوم تئوری توطئه را «توطئه‌باوران» تشکیل می‌دهند. توطئه‌باوران به برخی افراد، اقوام، گروه‌ها و کانون‌هایی گفته می‌شود که در تحلیل‌ها و تبیین‌هایی که از خود درباره حوادث و وقایع پیرامون خود ارائه می‌دهند و در تفسیر و توضیح پدیده‌ها و اتفاقات بر یک عامل (توطئه) تاکید دارند و حوادث را ناشی از توطئه‌چینی و توطئه-پردازان توطئه‌گران می‌پندارند. (همان: ۱۳۲ به نقل از پیپز، ۱۹۹۸: ۲۵۷-۲۵۱)

۳. رکن سوم تئوری توطئه به «مبانی تحلیل و مفروضات توطئه» اختصاص دارد. در استنتاجات و تبیین‌های تئوری توطئه شرایط و مراحل متداول در روش‌شناسی و روش شناخت علمی رعایت نمی‌شود (غفاری هشچین، ۱۳۸۰: ۱۳۲) و اساساً شیوه استدلال فرد دچار توهم و توطئه باور با سبک استدلال فردی که عاقلانه و عادلانه به تبیین و توضیح وقایع می‌پردازد، متفاوت است؛ برای مثال توطئه‌باوران در تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری تبیین‌های خود را بر مبنای مفروضات خاصی ارائه می‌دهند؛ از جمله اینکه: (۱) توطئه عامل محرکه تاریخ است؛ (۲) هدف کسب قدرت است؛ (۳) سود بردن نشانه دست داشتن است؛ (۴) هیچ چیزی تصادفی اتفاق نمی‌افتد؛ (۵) ظاهر امور فریبنده است. (همان: ۱۳۲)

تئوری توطئه

«تئوری توطئه» معادل اصطلاح conspiracy theory است که سبک پارانویدی، توطئه‌اندیشی، توطئه‌باوری و ذهنیت دست پنهان را برای آن معادل دانسته‌اند. تعاریف گوناگونی برای این تئوری بیان کرده‌اند؛ اما تعریفی که غفاری هنجین برای آن آورده است: «چارچوب و پارادایمی از تجزیه و تحلیل وقایع، حوادث و پدیده‌های حیات بشری است که طبق آن تنها عامل موثر و رقم‌زننده سرنوشت این‌گونه وقایع و حوادث در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، دست‌های پنهان، اقدامات و نقشه‌های پلید و غالباً مخفیانه توطئه‌گران - اعم از قدرت‌ها و کشورهای بزرگ و برخی افراد و گروه‌ها و انجمن‌های پنهانی و کانون‌های توطئه‌گر - است که برای رسیدن به اهداف خود در تلاش و تکاپو هستند.» (هنجین، ۱۳۸۰: ۱۳۲) تئوری توطئه در جوامع مختلف ممکن است ناشی از علل و عوامل مختلف تاریخی، فرهنگی، روان‌شناختی، سیاسی و جامعه‌شناختی باشد؛ ولی از جمله این‌گونه عوامل می‌توان به نارضایتی‌های سیاسی و بدبینی‌های فرهنگی ناشی از سیاست‌های حاکم، ترس و تنفر از قدرت کانون‌ها و گروه‌های توانمند و متنفذ جهانی و توطئه‌های واقعی متنوع در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ابعاد داخلی و بین‌المللی اشاره کرد. این - گونه عوامل و زمینه‌های مشابه در کشورهای مختلف به تدریج سبب پیدایش ذهنیت توطئه‌باور در برخی گروه‌ها و افراد گردیده و به نوبه خود موجب پیدایش تئوری‌های توطئه بی‌شماری مخصوصاً در دوران بروز بحران‌ها، مشکلات و نابه سامانی‌ها در جوامع شده است. (همان: ۱۳۳)

معرفی و فشرده «بیژن‌نامه»

«بیژن‌نامه» منظومه‌ای حماسی درباره بیژن، دلاور ایرانی است که در آن کین و دوستی، نیکی و بدی، دادگستری و بیداد، کژی و راستی، مردی و نامردی و خوشی و غم به تصویر کشیده شده است. بیژن یکی از شخصیت‌های برجسته شاهنامه فردوسی است که برخی ردپای تاریخی این شخصیت ایرانی را تا دوران اشکانیان و «جوانی چالاک و جنگاور از خاندان ارتشتار و نظامی گودرزبان» دانسته‌اند. (سرامی و منصوری، ۱۳۹۰: ۶۵) کویاجی بر این باور است: «دست کم برای بخشی از رمانس بیژن و پیمان‌شکنی گرگین با حذف قسمت مربوط به افراسیاب و رستم - بنیادی تاریخی وجود دارد. از لحاظ تاریخی پیوندی میان دودمان‌های پارتی «مهران» و «مونز» وجود داشته و طبیعی است که دختری از خاندان مونز، «منیژه» خوانده شده باشد. پلوتارک از مهرداد نام می‌برد که در جریان عقب‌نشینی مارک آنتونی از پارت اطلاعی به وی داد که موجب نجات سپاه روم گردید. مهرداد و عموزاده وی مونز که هر دو نزد آنتونی رفته بودند، بایست از سوی پارتیان خائن

تلقی گردیده و منفور واقع شده باشند. در حقیقت بنا بر نوشته پلوتارک این هر دو به همدستی و یاری رمی‌ها کار می‌کردند؛ البته این پیوند میان دو خاندان میلاد(مهرداد) و مونز تنها گواه بر وجود زمینه‌ای تاریخی برای داستان بیژن و منیژه نیست؛ هر دو نام گرگین(ورکین) و مهرداد در روزگار پارتیان در پارت و پس از آن در ارمنستان و گرجستان بسیار متداول بود. در ناحیه پایتاکاران در ارمنستان دیر زمانی از غاری به نام «بزن هنکنی» یا «زندان بیژن» سخن در میان بود.» (کویاجی، ۱۳۷۱: ۱۳۱) از دیدگاه اساطیری داستان بیژن را یکی از آثار بازمانده از اساطیر دوران عتیق دانسته‌اند که نماینده جامعه زن‌سالاری روزگار پیش از مهاجرت اجداد آریایی مردسالار به سرزمین ایران است. بنابراین رویکرد «این داستان، شکل دگرگون‌شده اسطوره‌ای است که اصلاً کردار کیهانی الهه و بغ بانویی را باز می‌گوید که پهلوانان بزرگ خود را می‌برد و در چاه زندانی می‌کرد... اندک‌اندک این بن‌مایه بنا بر تاثیر روایات تاریخی به پهلوانان ایران و توران انتساب یافته، اسطوره‌ای که اصلاً کردار کیهانی و ایزدینه زنی اساطیری بوده به افسانه «منیژه» دختر افراسیاب بدل شده است که بیژن دلاور و نوجوان را می‌دزد.» (جعفری و چوقادی، ۱۳۹۲: ۱۵۷ به نقل از واحد دوست، ۱۳۷۹: ۲۶۷) برخی بیژن را همان بهرام می‌دانند که ورتره دیو خشکی را می‌زد؛ به هر حال بیژن هم مربوط به اساطیر باروری است و عاشق شدن منیژه بر او(چون زلیخا و تیشتر و سودابه) قرینه‌ای است که پروتایپ او یکی از ایزدان است. بیژن در کنار چشمه‌ای به دیدار منیژه رفت و در آنجا عشق آنان شکل گرفت. (شمیسا، ۱۳۹۷: ۸۵۱) یوستی می‌نویسد که منیژه صورت مادینه نام پارتی مانک(Manec) است و تاسیت خاطر نشان می‌سازد که مردی به نام مانک از سوی پادشاه پارت بر ارمنستان فرمانروایی می‌کرد... بنابراین می‌توان گفت که رویدادهای تاریخی در داستان بیژن و منیژه جنبه شاعرانه به خود گرفته است. حضور یکی از اشراف پارت در ارمنستان و وجود جنگ‌های متمادی میان خاندان بلاش و گودرز مستلزم پیش آمدن حوادثی بود که گونه‌هایی از آن را در داستان شاهنامه می‌بینیم. (کویاجی، ۱۳۷۹: ۱۵۳)

مجموع ابیات منظومه «بیژن‌نامه» را از ۱۴۰۰ تا ۱۹۰۰ دانسته‌اند[و اصل داستان و قسمت عظیمی از آن ملقط است از داستان رزم بیژن و گرازان در شاهنامه، اما بعضی از قسمت‌های آن با متن شاهنامه اختلافات کلی دارد. (غفوری، ۱۳۹۴: ۲۹) سازنده و گردآورنده و مکمل این داستان را صاحب برزنامه، خواجه عمید عطا بن ناکوک رازی دانسته‌اند که به جز برزنامه، داستان یا داستان‌های دیگری را نیز از حماسه‌های ملی ایران به نظم درآورده است. (ر.ک: همان: ۳۰)

فشرده منظومه «بیژن‌نامه»

روزی در بارگاه کی‌خسرو گروهی از ارمانیان به دادخواهی می‌آیند و از گرازهایی که به کشتزاران آنان حمله‌ور شده‌اند، شکایت می‌کنند. از میان پهلوانان ایران، بیژن با وجود مخالفت‌های پدر داوطلب می‌شود تا به جنگ گرازان برود. کی‌خسرو با شنیدن این سخن گرگین را مامور می‌سازد تا بیژن را در این سفر همراهی کند. در رویارویی با گرازها، گرگین از یاری رسانی به بیژن سر باز می‌زند و بیژن به ناچار خود به تنهایی به نبرد با گرازان می‌پردازد و آنان را از بین می‌برد. گرگین که از پیروزی بیژن رشک برده است، از او می‌پرسد که چرا دندان‌های گرازان را کنده است؟ بیژن پاسخ می‌دهد: «می‌خواهم آن‌ها را به طلا اندوده کنم و به گردن اسب خویش آویزم تا نزد شاه ایران، منزلت بیشتری به دست آورم.» گرگین با شنیدن این سخنان بر رشک و حسدش افزوده می‌شود و دسیسه‌ای می‌چیند تا بیژن را از بین ببرد. بنابراین بیژن را به رفتن به سوی بزم‌گاه منیژه، دختر افراسیاب ترغیب کند. بیژن بنا بر خوی جوانی خویش، فریب گرگین را می‌خورد و به بزم‌گاه منیژه می‌رود. سرانجام بیژن با منیژه آشنا می‌شود و منیژه نیز که از دیدن بیژن دل‌باخته شده‌است، داروی هوش‌بر در جام بیژن می‌ریزد و بدین ترتیب او را بی‌هوش می‌سازد و مخفیانه به کاخ خود می‌برد. هنگامی که بیژن چشم باز می‌کند، خویشتن را در کاخ منیژه می‌بیند و چون چاره‌ای ندارد به ناچار دست به عثرت می‌زند. پس از چندی نگهبان کاخ منیژه از حضور بیژن آگاه می‌شود و افراسیاب را از این موضوع باخبر می‌سازد. افراسیاب گرسیوز را مامور دستگیری بیژن می‌کند. بیژن نخست به دفاع از خود می‌پردازد؛ اما در برابر وعده‌های گرسیوز تسلیم می‌شود و دست به بند می‌دهد. افراسیاب با دیدن بیژن خشمگینانه دستور کشتن او را می‌دهد؛ ولی پیران از راه می‌رسد و مانع کشتن بیژن می‌شود. سرانجام شاه توران تصمیم می‌گیرد بیژن را در چاه ارژنگ زندانی کند؛ سپس فرمان می‌دهد سنگ گرانی را که اکوان دیو از دریا بدان بیشه انداخته بود، بر سر آن چاه گذارند. هم‌چنین افراسیاب دختر خویش را از کاخ بیرون می‌کند و منیژه به-ناچار به دریوزه‌گری روی می‌آورد و به تیمارداری از بیژن می‌پردازد. از آن سو گرگین با اسب بیژن به ایران باز می‌گردد. هنگامی که گیو جویای فرزند خود می‌شود، از گرگین سخنانی یاهو می‌شنود؛ بنابراین از گرگین نزد کی‌خسرو شکایت می‌کند. کی‌خسرو گرگین را در بند می‌اندازد و سوارانی را به جست‌وجوی بیژن می‌فرستد؛ اما کار جست‌وجو بی‌فایده است و کسی از بیژن اطلاعی به دست نمی‌آورد. با فرارسیدن نوروز، کی‌خسرو در جام گیتی‌نما بیژن را می‌نگرد که در چاهی گرفتار شده است و پرستاری به تیمارداری از او می‌پردازد. کی‌خسرو به ناچار نامه‌ای به رستم می‌نویسد و از او درخواست می‌کند که به یاری بیژن بیاید. رستم با شنیدن خبر

گرفتاری بیژن متأسف می‌شود و به بارگاه می‌آید و عازم رفتن به توران می‌شود. گرگین نیز با خواهشگری رستم از بند کی‌خسرو رها می‌شود. سرانجام رستم با همراهی شماری از پهلوانان در جامه بازرگانان روانه توران می‌شود. در سرزمین توران رستم اعتماد پیران را به دست می‌آورد و به داد و ستد می‌پردازد. منیژه نیز که از آمدن بازرگانان ایرانی به توران آگاه شده‌است، به سوی آنان می‌رود. نخست رستم با منیژه بدرفتاری می‌کند؛ اما سرانجام به دل‌جویی از او می‌پردازد و مرغ بریانی را بدو می‌دهد؛ در حالی که انگشتی خویش را در شکم آن مرغ پنهان ساخته است. بیژن به آمدن رستم پی می‌برد و منیژه را به سوی کاروان ایرانیان روانه می‌سازد. رستم به منیژه سفارش می‌کند که شب هنگام بر سر چاه بیژن آتشی برپا کند. شبانگاه پهلوانان با دیدن آتش به سوی آن چاه می‌روند. در این هنگام برخیا س فرزند اکوان دیو که در آن نواحی به سر می‌برد، با سپاه خویش از راه می‌رسد. در جنگی که میان ایرانیان و دیوان روی می‌دهد، برخیا س و یارانش کشته می‌شوند. در ادامه رستم از بیژن می‌خواهد از گناه گرگین درگذرد. نخست بیژن سخن رستم را نمی‌پذیرد؛ اما در نهایت تسلیم خواست او می‌شود. رستم نیز بیژن را از چاه درمی‌آورد. سپس پهلوانان ایران به افراسیاب شیخون می‌زنند و در جنگی که میان دو سپاه روی می‌دهد، ایرانیان پیروز می‌شوند و پس از آن، همگی به سوی ایران بازمی‌گردند. رستم پس از دریافت هدایایی از کی‌خسرو راهی زابلستان می‌شود. فرنگیس، مادر کی‌خسرو به محض آگاه شدن از آمدن خواهرش به ایران، به درگاه فرزند خود می‌آید و هدایایی به بیژن، گودرز و گیو می‌دهد. [فرنگیس] از بیژن درخواست می‌کند از منیژه که به خاطر او رنج‌های بسیاری را متحمل شده است، به خوبی نگهداری کند. سپس منیژه را فرا می‌خواند و دو خواهر با دیدن یک‌دیگر اشک می‌ریزند. [فرنگیس] به منیژه نیز زر و سیم بسیاری عطا می‌کند. کی‌خسرو نیز پس از خلعت دادن به بیژن و گیو، از آن دو می‌خواهد حرمت منیژه را حفظ کنند و با مهربانی با او رفتار کنند. (غفوری، ۱۳۹۴: ۲۹-۲۷)

۲- بحث و بررسی

حضور زنان در داستان‌های حماسی هر چند کم‌رنگ، نقش‌آفرینی خود را دارد. در داستان‌های حماسی، چه در ادبیات جهان و چه در ادبیات ایران، شاهد حضور زنان هرچند خارج از ستیز و درگیری که گاه به دلیل حضور آنان رقم خورده، هستیم. نقش هلن در جنگ تروی یکی از این شواهد است که در کتاب‌های بسیاری به این مساله اشاره شده است. «منلاس گفت: پاریس تروایی هلن زیبا را ربوده‌است. زمان آن است که همه شاهان و شاهزادگان یونان بنا بر سوگندی که به هنگام خواستگاری در اسپارت خورده‌اند، گرد هم

آیند و برای گرفتن انتقام از رباینده هلم با کشتی‌های بی‌شمار به تروا لشکر کشند.» (گرین، ۱۳۶۸: ۴۶) سه حماسه بزرگ باختر زمین، یعنی ایللیاد، اودیسه و انه‌اید به گونه‌ای هستند که در آنها «زنان نقش بنیادین دارند. در پس هر رویداد بزرگ حماسی زنی را می‌توان نهفته دانست» (کزازی، ۱۳۷۰: ۸۸) با نگاهی کلی به این نمونه‌های حماسی می‌توان دریافت که ستیز قهرمانان یونانی بر سر زن بروز می‌کند و نمونه بارز آن ایللیاد است؛ اما در شاهنامه فردوسی و کتاب‌های حماسی دیگر ادبیات پارسی درمی‌یابیم که بانوی ایرانی و تورانی (به جز سودابه) زنی است جسور و عاشق که در ابراز عشق هم پیشگام است و در عین نجابت اشتیاق خود را بروز می‌دهد و برای این عشق حاضر به جان‌فشانی است. منیژه از این گونه بانوان دربار است که هرچند که در سرزمین توران است؛ اما با شخصیتی عاشق برای بیژن حاضر به سرفشانی است. منیژه از جمله زنانی است که «بر هنجارهای سنتی اجتماع خود چیره می‌شوند و قادرند که در راه وصول به مقصود عوامل بازدارنده از قبیل مخالفت پدر و گاهی نیز مادر، اختلافات قومی، دینی، محیطی و غیره را از پیش بردارند و به یک هنجارشکنی غریبانه‌ای در جوامع خویش از برای مطالبه حقوق طبیعی خود اقدام ورزند.» (کزازی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱) هر چند که می‌توان نوزیکائا در اودیسه هومر را تا حدی با شخصیت منیژه در ابتدای داستان تطبیق داد؛ اما از خودگذشتگی و عاشق‌پیشگی منیژه از بعد ژرف‌تری برخوردار است.^۱

«در دوران پهلوانی شاهنامه، حضور زن لطف و گرمی و نازکی و رنگارنگی به ماجراها می‌بخشد. این زن‌ها هستند که به داستان‌های تراژیک شاهنامه آب و رنگ بخشیده‌اند.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰: ۱۹) منیژه یکی از این کاراکترها در شاهنامه و در بیژن‌نامه است که «دختری جسور و عاشق‌پیشه است؛ ولی این جسارت و عاشقی کار دست او و بیژن می‌دهد. تاثیرگذارترین نقش منیژه در روند داستان، بیهوش کردن و بردن بیژن به کاخ افراسیاب است که نقطه عطف داستان بیژن و منیژه می‌شود. او یک عاشق کامل است؛ زیرا برای اینکه بیژن نزدش بماند، هر کار می‌کند، حتی اگر آن کار به ضررش باشد. می‌توان برخی اقدامات او را از روی بی‌فکری و سست‌رایی بدانیم.» (علی‌نقی، ۱۳۹۰: ۷۳) اما گاه شخصیت منیژه با دید منفی نگاه می‌شود. سرامی می‌نویسد: «منیژه هوس‌باز و نیرنگ‌باز است و برای هرچه کامیاب‌تر شدن از بیژن داروی بیهوشی در شراب وی می‌ریزد و به کاخ شاه تورانش می‌برد.» (سرامی، ۱۳۸۸: ۶۹۷)

بفرمود تا راوی هوش‌بر پرستنده آمیخت با نوش بر

(فردوسی، ۱۳۷۴: ۴۳۹)

اما با نگاهی به بعد عاشقانه این منظومه می‌توان اینگونه برداشت کرد: او در نجات جان

معشوقش نیز همه کار می‌کند: برایش غذا تهیه می‌کند، به نزد رستم می‌رود و هر آنچه او می‌گوید، انجام می‌دهد. نکته دیگر آنکه وقتی بیژن به او بدگمان می‌شود، از خود دفاع می‌کند و او را شرم‌نده می‌سازد تا آنجا که بیژن از او پوزش می‌خواهد:

منیژه خروشید و نالید زار	کـــه بر من چه آمد بد روزگار
بدادم به بیژن تن و خان و مان	کنون گشت بر من چنین بدگمان
پدر گشته بیزار و خویشان ز من	برهنه دوان بر سر انجمن

(همان: ۴۶۱)

«در آخر به کمک او و رستم، بیژن از چاه‌رهایی می‌یابد.» (علی‌نقی، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۳) آنچه این داستان را در بیژن‌نامه رقم می‌زند، دادخواهی ارمنیان مرزن‌نشین به دلیل حمله گرازان به آنها است، بیژن قدرت و شهامت خود را نشان می‌دهد و همین سبب کینه و عناد گرگین با او می‌شود و گرگین با نقشه‌های ناجوانمردانه بیژن را برای عیش‌ورزی و خوشی به توران زمین می‌کشانند؛ سرزمینی که مردمانش دیرین زمانی است که با ایرانیان در ستیزند و هنوز کین ایرج و خون تور و سلم را زنده نگه داشته‌اند. بیژن به این سرزمین می‌رود و رویدادهایی که بیان شد، واقعه اصلی یعنی به چاه انداختن بیژن رقم می‌خورد که پهلوانان ایرانی را آشفته می‌سازد. به یاری منیژه، رستم چاه بیژن را می‌یابد و به سزای به چاه افتادن بیژن و آزرده‌گی او و محبوبش، منیژه، رستم به افراسیاب و تورانیان ضرب شستی نشان می‌دهد و سپس بیژن و منیژه را به ایران می‌رساند و پیروزی و کامروایی دیگری را برای ایرانیان رقم می‌زند. این واقعه با نیک‌فرجامی ایرانیان به انجام می‌رسد.

حضور منیژه، هرچند که حضوری پررنگ در ستیزه و مبارزه نیست؛ اما به گونه‌ای در درون خود ستیزی دارد که سبب جدالی بزرگ‌تر در رویارویی ایرانیان و تورانیان می‌شود. به دلیل فضای حماسی، پهلوانی و اسطوره‌ای حاکم بر «بیژن‌نامه» مجال زیادی برای حضور منیژه دیده نمی‌شود؛ اما به دلیل همراهی کردن با بیژن و رهاسازی او از بند و چاه پدر، به نوعی کودتایی در توران رقم می‌زند و همین کودتا همراه شدن با رستم و ایرانیان است برای سرکوبی افراسیاب و افراسیابیان.

اگر نگاهی به پیشینه نقش زنان در ادبیات حماسی ایران بیندازیم، متوجه حضور مهم و تاثیرگذار برخی از زنان در این داستان‌ها می‌شویم. نقش منیژه در روند داستان و شکل‌گیری آن از اواسط داستان دیده می‌شود، حضوری مهم و اثرگذار. منیژه جزء زنانی نیست که نقش کوتاهی را ایفا کند و تنها سایه‌ای از او در داستان مشاهده شود؛ بلکه حضور او با فراز و نشیب‌هایی نقش اصلی را ایفا می‌سازد. او به عنوان یک بانوی شاهزاده از سویی و به عنوان بانویی عاشق‌پیشه از سوی دیگر در بیژن‌نامه شخصیت خود را رقم می‌زند و

کنش‌ها و واکنش‌های او در سیر داستان و توالی رویدادها کلیدی و محوری است.

شکل‌گیری توطئه در منظومه «بیژن‌نامه»

«با نگاهی اجمالی به منظومه بیژن‌نامه، داستان با چند توطئه شکل پذیرفته است. در ساختار اول با وجود اعتماد بیژن به گرگین، گرگین از سر عناد و حسد دست به توطئه می‌زند. در این توطئه تنها خود او به قصد تغییر تاریخ و کسب قدرت در نبود بیژن و سود بردن فردی، سعی در کنار زدن بیژن دارد که همین توطئه پیش‌زمینه توطئه زنانه منیژه در قبال بیژن می‌شود.» (غفوری، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۳) «دومین توطئه علیه بیژن صورت می‌گیرد که نقش منیژه به‌عنوان عاشقی توطئه‌گر مشهود است.» (همان: ۶۶-۶۴) و توطئه سوم داستان هم منشا در کنش منیژه دارد و علیه افراسیاب نقش می‌گیرد و سبب سرکوبی سلسله افراسیاب و پیروزی دگرباره ایرانیان به رهبری رستم و همراهی بیژن می‌شود. منیژه با اینکه توطئه‌گر علیه نظام حاکم بر جامعه‌ای است که افراسیاب به‌عنوان سرهرم قدرت آن را رقم زده، به نوعی به انتقام‌گیری خون سیاوش و کین‌خواهی بیژن در چاه‌افتاده یاری رسانده و سمت ایرانیان را در این ستیز گرفته و به جانبداری جنگاوران و گردان ایرانی پرداخته است. حضور منیژه در این ستیز پایانی به‌خوبی مشهود است. رقم خوردن این ستیز هم ریشه در وجود منیژه و کنش‌ها و واکنش‌هایی دارد که او رقم زده است: آشنایی با بیژن، داروی هوش‌بر در نوش او ریختن، به محمل نشاندن و به کاخ بردن، با وجود افراسیاب در کاخ به نوش‌نوش و شادی پرداختن با بیژن، رفتن بر سر چاه و تیمارداری کردن از بیژن در چاه افتاده و دیگر انفعالات که در شکل‌گیری توطئه همگی نقشی سیستماتیک و نظام‌یافته دارد.

شکل‌گیری توطئه‌های نخست

توطئه ابتدا در این منظومه توسط گرگین رخ می‌دهد. توطئه‌ای است که علیه بیژن شکل می‌پذیرد. دیدن توانمندی بیژن و پیرویش و از بین بردن گرازان سبب می‌شود گرگین دست به توطئه‌ای بزند که هرچند از نظر عشقی برای بیژن اتفاق خوشایندی است؛ اما وقایعی را رقم می‌زند که به گونه‌ای می‌تواند مرگ او را در پی داشته باشد. در توطئه اول تنها دو طرف دیده می‌شود: گرگین و بیژن. بیژن فریب گرگین می‌خورد و به دلیل شخصیت تا حدی هوسباز و جوان‌خوشی-جوی خود، در دام او می‌افتد. پس از اینکه گرگین بیژن را از روی عناد و حسدورزی به توصیف منیژه، دخت مه‌پیکر و آفتاب‌ندیده افراسیاب، می‌پردازد، بیژن نادیده دل‌باخته منیژه می‌شود:

درخشان کند باغ چون آفتاب	منیژه کجا دخت افراسیاب
هوا چون بهشت و بخار بخور	به بازی و رامش به بزم و به سور

نشیند بر افــــــراز گاه بلند
ستاره سپهدار دخت گــــزین
چو خورشید رخشان و ماه بلند
زند با کنیــــزان با آفرین

(۵۷/ ۲۱۲-۲۰۹)

پس از این گرگین بیژن را به دشت توران می‌برد و او را رها می‌کند و می‌رود. بیژن در زیر درختی به خواب می‌رود و روند داستان به گونه‌ای دیگر پیش می‌رود. منیژه او را می‌بیند و شیفته جنگاور ایرانی می‌شود. این فرجامی است که با توطئه گرگین علیه بیژن شکل می‌گیرد.

برافتاد چشم منیژه بدو
یکی اسپ بسته به پیش درخت
چو آن خوب چهره ز خیمه به راه
درخشان به سان سهیل یمن
منیژه که از خیمه چون بنگرید
بماند از نکو روی بیژن شگفت
یکی مرد را دید بس خوب رو
منیژه فروماند از آن کار سخت
بدید آن رخ پهلوان سپاه
بنفشه گرفته دو برگ سمن
بدان سروین روی بیژن بدید
دلش مهر بیژن چنین برگرفت

(۶۰/ ۲۷۱-۲۶۵)

منیژه با فرستادن دایه برای شناختن بیژن، پیام خود را به او می‌فرستد. دایه به نزد بیژن می‌رود و پاسخ مثبت برای دیدار دریافت می‌کند. بیژن را به نزد منیژه می‌آورند. سه شبانه‌روز بیژن در نزد منیژه به سر می‌برد و

نشستنگه رود و می‌ساختند
پرستندگان ایستاده به پای
به دیبا زمین کرده طاووس رنگ
سه روز و سه شب شاد بوده به هم
ز بیگانه خیمه بپرداختند
ابا بربط و جنگ و رامش سرای
ز دینار دیبا چو پشت پلنگ...
گرفته بر او خواب و مستی به هم

(۶۳/ ۳۴۳-۳۳۸)

زمان رفتن که فرا می‌رسد، دومین توطئه توسط منیژه رقم می‌خورد و این نخستین گام، کار فراتر را که جنگ‌آفرینی است، رقم می‌زند. منیژه از روی دل‌باختگی و ترس از دور شدن بیژن، داروی هوش‌بر به بیژن می‌خوراند و او را به کاخ افراسیاب می‌برد. این نقشه زمانی بر ملا می‌شود که بیژن در کاخ به سر می‌برد و وقتی به هوش می‌آید:

به ایوان افراسیاب اندرا
ابا ماه روی به بالین سرا

(۶۵/ ۳۶۷)

این توطئه و نقشه هرچند که از روی دل‌باختگی و شیفتگی منیژه شکل می‌گیرد؛ اما در درون خود ستیزی علیه افراسیاب است که پهلوان ایرانی را به درون کاخ شاه تورانی

می‌آورد و البته در خود سرنوشتی موهوم را برای بیژن رقم می‌زند. در بی‌خبری و بی‌خواهی قدم به کاخ شاه تورانی می‌گذارد و عاقبتی بدفرجام پیش رو دارد. این کار منیژه خود سبب جنگی درونی و سپس بیرونی برای داستان در پیش دارد؛ هرچند که «برای منیژه زیبایی و دل‌انگیزی زندگی در ناز و نواز کامروایی و صلح و آرامش است» (نصر اصفهانی و میرمجبیان، ۱۳۸۸: ۱۵۱)؛ اما این اتفاق در درون خود آستن رویدادهایی بس هولناک است که این ناز و نوازش کامرانی و کامروایی را بر هم می‌زند. منیژه برای اینکه بتواند بیژن را نزد خود نگه دارد، با جسارت دست به این کار می‌زند و تمامی کیان خانوادگی را پشت سر می‌گذارد و او را به حریم خانوادگی وارد می‌کند؛ حریمی که سالیان سال با جدلهایی با سرزمین بیژن روبه‌رو است.

برملا شدن توطئه دوم

در توطئه دوم منظومه، با توطئه‌گری منیژه علیه بیژن از شدت عشق و نگر داشتن او در نزد خود می‌توان مواجه بود؛ اما توطئه سوم داستان به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و سعی در برانداختن و از بین بردن کیان خانوادگی و پادشاهی است. در توطئه دوم داستان، خواننده با بخشی مواجه می‌شود که منیژه با آوردن بیژن به دربار بدون دانستن افراسیاب سعی در نشان دادن جسارت دختر نسبت به پدر دارد.

نکته‌ای که می‌توان درمورد کیان خانوادگی در توران زمین به آن اشاره کرد، «ازدواج برون‌قبیله‌ای» است که در «بیژن‌نامه» نیز رقم می‌خورد. «نکته جالب مخالفت دختران با پدران و به طور کلی استقلال آنان در شوهرگزینی است (رودابه، تهمینه، کتایون) که به نحوی دلالت بر مادرسالاری دارد.» (شمیسا، ۱۳۹۷: ۸۵۲) این مساله در داستان بیژن و منیژه هم مشهود است و شاید توطئه دوم منیژه که علیه پدر انجام می‌پذیرد، ناشی از این مساله باشد.

پس از اینکه مدتی از ماندن بیژن در کاخ می‌گذرد و منیژه بساط خوشی و خرّمی فراهم آورده، دربان کاخ به حضور شخصی به جز درباریان پی می‌برد و این زنگ خطری است برای بیژن. دربان به نزد افراسیاب می‌رود و به شاه توران خبر می‌دهد که «دخترت از ایران گزیده‌ست جفت» (۳۸۸/۶۶) همین مساله سبب می‌شود افراسیاب از گرسیوز بخواهد که بیژن را دستگیر کند. توطئه نخست منیژه فاش می‌شود و گرسیوز به حرمسرا وارد می‌شود و ساز و رود و عشرت‌گزینی که منیژه برای بیژن رقم زده، می‌بیند و بیژن هم از دور حضور گرسیوز را می‌بیند و خنجر می‌کشد تا با او رودررو شود. بیژن دستگیر و به نزد افراسیاب آورده می‌شود. در گفت‌وگویی که میان افراسیاب و بیژن صورت می‌گیرد، بیژن می‌گوید پری او را به این کاخ آورده و او خود به میل خودش پای به کاخ نگذاشته‌است و گناهی بر

منیژه هم نیست.

گناهی مرا اندر این بوده نیست
منیژه بدین کار آلوده نیست
پری بی گمان بخت برگشته بود
که بر من همی جادوی آرمود

(۴۶۳-۴۶۴/۶۹)

با وجود آنکه منیژه در آوردن بیژن به توران مقصر است؛ اما بیژن راضی نمی‌شود که منیژه را در بارگاه افراسیاب بدنام کند و در برابر شاه توران، داستانی ساختگی از خود می‌سازد که چگونه وارد توران شده است (فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۲۶-۳۲۵) «بیژن می‌توانست بگوید که گناه از منیژه است که در جام او داروی بی‌هوشی ریخته و او را بی‌خواست او، به کاخ آورده است؛ ولی با این راستگویی داستان به کلی لطف خود را از دست می‌داد و از بیژن یک ناپهلوان می‌ساخت. در مقابل، دروغ‌بافی او با آنکه سخنانی پرت و پلا است و یا درست، به خاطر همین پرت و پلا بودن آن، نمکی شیرین به داستان داده است. اینکه بیژن سبک‌سر در این‌جا در تنگنای خطر، منیژه را فراموش نمی‌کند، از او ماجراجویی دوست‌داشتنی ساخته است» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۹۶).

افراسیاب از این سخنان آشفته‌تر می‌شود و به‌نوعی دچار توهم توطئه می‌شود. او گمان بر این می‌برد که بیژن به بارگاه او وارد شده تا تخت پادشاهی را از او بگیرد و به دنبال رزم و ستیز است.

تو آنی کز ایران به تیغ و کمند
همی رزم جستی به نام بلند

(۴۶۹/۷۰)

کارل رایموند پوپر از نخستین اندیشه‌ورزان غربی است که نظریه «توهم توطئه» را مطرح کرد. او بر این باور است که براساس این نظریه، هرچه در جامعه روی می‌دهد، نتایج مستقیمی از دسیسه‌هایی است که قدرت‌های بزرگ آن را طراحی کرده‌اند. «باور داشتن به خدایان هومری که توطئه‌های آنها جنگ‌های تروا را در پی داشته، اکنون از میان رفته است؛ اما جای خدایان ساکن کوه اولمپوس هومری را اکنون بزرگان کوه صهیون یا صاحبان انحصارها و سرمایه‌داران یا استعمارگران گرفته‌اند (پوپر، ۱۳۶۳: ۴۲۵). فرهنگ وبستر پارانویا یا توهم توطئه را در مقام امری بالینی به‌عنوان روان‌پریشی مزمنی تعریف می‌کند که مشخصه‌اش هذیان و توهم آسیب‌دیدگی از سوی دیگران و نیز خود بزرگ‌بینی است (رضایی‌دشت‌ارژنه و مصطفایی کرملکی، ۱۳۹۵: ۵۴ به نقل از Webster Dictionary)؛ در حقیقت توهم توطئه نوعی بیماری فردی و اجتماعی است که بیماری فردی سوءظن به همه چیز و همه کس را پارانویا و بیماری جمعی را توطئه‌باوری یا نظریه توطئه می‌نامند (اشرف، ۱۳۹۱: ۶۹). در شاهنامه فردوسی افرادی مانند گشتاسپ و

افراسیاب را دچار این نوع بیماری می‌بینیم. به نوعی می‌توان این را بیان کرد که «ایمان به توهّم توطئه از نظر پیامدها یا کارکردهای روانی و اجتماعی برای کسانی که به آن اعتقاد دارند، آرامش خاطر می‌آورد و هم‌چون ساز و کارهای دفاعی روانی این فرصت را به آنان می‌دهد تا از خود رفع مسئولیت کنند و همه تقصیرها را به گردن توطئه بیگانگان بیندازند» (اشرف، ۱۳۹۱: ۷۲). این ایمان به توهّم توطئه را در بسیاری از داستان‌های مربوط به افراسیاب می‌توان مشاهده کرد. توهّم توطئه به گونه‌ای در وجود او عجین شده که به اطرافیان خود به عنوان توطئه‌گران می‌نگرد؛ البته دسیسه‌ها و مکرورزی‌های اطرافیان هم به این توهّم دامن می‌زند. در کشته شدن سیاوش هم دسیسه‌های گرسوز مشهود است و هم توهّم توطئه‌ای که دامن افراسیاب را گرفته است. در بیژن‌نامه هم می‌توان توهّم توطئه را با یافتن بیژن در حرمسرا مشاهده کرد. هرچندکه بیژن دلیل آمدنش به حرمسرا و بودن در کنار منیژه را مکر و جادوی پریان می‌داند و فکر می‌کند با آوردن این دلیل به نوعی افراسیاب را از فکر ناشایست به دور می‌کند؛ اما با گفتن سخنانی پس از آمدن به نزد افراسیاب به توهّم توطئه افراسیاب دامن می‌زند:

بدو گفت بیژن که ای شهریار	سخن بشنو از من یکی گوش دار
گرازان به دندان و شیران به چنگ	توانند کردن به هر جای جنگ
یلان هم به شمشیر و گرد گران	توانند کوشید با بدگمان
یکی دست بسته برهنه تن	یکی را ز پولاد پی‌راهن
چگونه چخد شیر بی چنگ تیز	اگر چند باشد دلش پرستیز
اگر شاه خواهد که بیند ز من	دلیری نمودن بدین انجمن
یکی اسپ فرمای و گریزی گران	ز توران گزین کن هزاران سران
به آوردگه بر یکی زان هزار	اگر زنده مانم به مردم مدار
گر این گفته‌ها را نیارم به کار	نه من بیژنم پور گیو سوار

(۷۰/ ۴۸۰-۴۷۲)

همین بدگمانی افراسیاب و جسوری بیژن در پاسخ دادن هم ریشه در حرکت جسورانه منیژه دارد. منیژه بیژن را به حرمسرا می‌آورد و افراسیاب هم پیش از این دلیستگی فرنگیس، دختر دیگرش، به سیاوش را دیده است و این بدگمانیش نسبت به آنها را بیشتر رقم می‌زند. بدیهی است که شاه توران توهّم توطئه را در حضور بیژن در دربار داشته باشد؛ به این سبب که پیش از این دست به کشتن سیاوش زده و اکنون منتظر است که ایرانیان به خون‌خواهی سیاوش و کین‌جویی او بار دیگر و به گونه‌ای دیگر عمل کنند و به کاخ و دربار او وارد شوند. افراسیاب دلایل متعددی دارد که زمینه توطئه را در دربار خود را دور

از ذهن نداند.

افراسیاب به گرسیوز دستور می‌دهد بیژن را به دار بیاویزد (۴۸۷/۷۰) و با شفاعت پیران ویسه این اتفاق رخ نمی‌دهد. (۵۶۵-۵۶۸/۷۴) تصمیم بر این گرفته می‌شود بیژن با غل و زنجیر و مسمارهای گران در چاه انداخته شود و سنگ اکوان دیو هم بر سر چاه گذاشته شود. افراسیاب به دنبال این است که بدکنشی دخترش را هم به‌نوعی جبران کند و نام رسوایی و بدنامی را هم از خود و حرمسرایش دور سازد، پس دخترش را هم از دربار دور می‌سازد. در اینجا است که منیژه تیمارداری بیژن افتاده در چاه را در پیش می‌گیرد.

به نظر می‌رسد نمی‌توان ورود بیژن به کاخ را توطئه‌ای علیه افراسیاب قلمداد کرد؛ اما ظاهر مساله این چنین است. با توجه به پیشینه جنگ و ستیز میان ایرانیان و تورانیان و سپس واقعه کشته شدن سیاوش (هرچند که در بیژن‌نامه به صورت گذرا به این مسائل و رویدادها اشاره شده است و در کلام پیران ویسه خطاب به افراسیاب این اتفاق بازگو می‌شود)، همین حضور پهلوان ایرانی در بارگاه افراسیاب تورانی به صورت پنهانی، به نوعی توطئه محرمانه قلمداد می‌شود؛ اما توطئه‌ای که آستان حوادث بعدی است. افراسیاب با به چاه افکندن بیژن و طرد کردن دخترش به نظر خود توطئه‌ای را از بین برده و آبروی خود را حفظ کرده است؛ اما این اتفاق اینجا به پایان نمی‌رسد.

شکل‌گیری توطئه سوم

با به چاه افتادن بیژن، منیژه به تیمارداری بیژن می‌پردازد و هر شب بر سر چاه می‌نشیند و غذایی که با درپوزگی در روز برای بیژن دریافت، به او می‌رساند.

چو از کوه خورشید سر برزدی	منیژه ز هر در همی نان چدی
که نان گرد کردی به روز دراز	به سوراخ چاه آوریدی فراز
به بیژن سپردی و بگریستی	بدین سختی اندر جهان زیستی

(۶۶۶-۶۶۸ / ۷۹)

از سوی دیگر گرگین از فریبی که به بیژن داده، پشیمان می‌شود و به مرغزاری که بیژن را در آنجا تنها گذاشت، باز می‌گردد و لگام گسستگی و نگونساری زین اسب بیژن را می‌بندد و متوجه می‌شود که بیژن دچار سرنوشتی شوم شده است. گیو از کی خسرو می‌خواهد که سراغ بیژن را از گرگین بگیرد. گرگین به دربار می‌آید و اعتراف به کار کرده می‌کند و کی خسرو دستور به دربند کردن او می‌دهد. کی خسرو در جام جهان‌نمای افتادن بیژن در چاه را می‌بیند و تنها راه‌هایی بیژن را رفتن رستم به توران می‌یابد. رستم به شکل بازرگانی وارد به توران می‌شود. در اینجا است که منیژه از آمدن بازرگانان ایرانی به توران باخبر می‌شود و اینجا است که باید نقشه‌هایی بیژن رقم بخورد. نقش منیژه در اینجا پررنگ

خود را نشان می‌دهد. شخصیت منیژه به‌عنوان زنی که در اینجا دل‌باختگی خود را فعال و پویا نشان می‌دهد، شکل می‌پذیرد. هرچند در ابتدا با حيله‌ای نشأت گرفته از دلدادگی بیژن را می‌خواهد نزد خود نگه دارد؛ اما این بار به عنوان شخصی یاریگر می‌خواهد او را از چاهی که خود مسبب اصلی این رویداد بوده، نجات دهد. صفت عالی نیک روی را در این بخش برای منیژه می‌توان دید. «برخلاف مردان، همه زنان بیگانه‌ای که با ایرانیان پیوند می‌کنند، از صفات عالی انسانی برخوردارند. به غیر از سودابه، اینان چون به ایران می‌پیوندند، یک‌باره از کشور خود می‌برند، از دل و جان ایرانی می‌شوند و جانب نیکی را که جانب ایران است، می‌گیرند.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۳: ۱۲۰)

با رفتن منیژه به نزد رستم و وقایعی که ابتدا بین او و رستم رقم می‌خورد (ابتدا رستم او را طرد می‌کند و نشان خود و گیو را به او نمی‌دهد و سپس با دادن مرغی بریان که درون آن انگشتی نشان رستم است، بیژن را از وجود خود و دیگر پهلوانان ایرانی باخبر می‌سازد)، راه‌هایی بیژن کمی روشن می‌شود. منیژه در عشق و دلدادگی ثابت مانده و از معشوق خود دل نمی‌کند. همچنان سر هرم قدرت افراسیاب نشسته و باید راهی برای رهایی بیژن یافت شود. از بین بردن نقشه نابودی بیژن و دفع حضور همیشگی در چاه تا قالب تهی کند، خود به نوعی در مقابله بودن با افراسیاب را رقم می‌زند. رستم به توران آمده تا به دور از جنگ آشکار بیژن را رها سازد و منیژه که خود تمامی این وقایع را رقم زده، به عنوان یاریگر در این جنگ حضور می‌یابد. پیام‌آوری و پیام‌بری منیژه برای رستم و بیژن خود نشان از حضور پررنگ در شکل‌گیری یک جنگ دارد که به‌زودی رقم می‌خورد. گردآوردن هیزم و برافروختن آتش بر سر چاه به دستور رستم از دیگر کارهایی است که منیژه باید آن را انجام دهد. «رستم آنگاه با منیژه بر آن نهاد تا روز بر بالای چاه بیژن هیزم گرد کند و شب هنگام آن را بیفروزد تا رستم جای چاه بیژن را بداند و منیژه چنین کرد.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ذیل نام منیژه)

توطئه سوم هرچند که به دست رستم و بیژن پس از رهایی از چاه رقم می‌خورد، بار دیگر سرمنشا آن را باید در حضور منیژه جست و جو کرد. منیژه با تیمارداری بیژن در چاه فتاده و پیک‌وری میان رستم و بیژن به شکل‌گیری این مساله یاری می‌رساند. رستم به کاخ افراسیاب وارد می‌شود و گردان افراسیاب را می‌کشد. در این داستان هم افراسیاب شکست می‌خورد؛ هرچند که دختر خود او در این جنگ منشا بوده است. در بیژن‌نامه این مساله از زبان افراسیاب بیان می‌شود:

چنین گفت با لشکر افراسیاب	که این جای جنگ است یا جای آب
از این ننگ تا جاودان بر سرم	بگـویند هر کس از این دخترم

(۱۷۴۱-۱۷۴۲/۱۳۰)

جنگ سترگی که دیگر بار میان توران و ایران رقم می‌خورد، هرچند که در درون خود کین‌خواهی سیاوش را هم دارد، این بار برای انتقام‌گیری از به چاه افتادن بیژن در چاه رخ می‌دهد. پایان این جنگ، همچون ستیزهای دیگر ایران و توران، رستم و دیگر پهلوانان به ایران باز می‌گردند. منیژه هم که به پای عشق و شیفتگی ایستادگی کرده و عشق را بر ماندن در کاخ پدری ترجیح داده، با ایرانیان همراه می‌شود. این داستان حماسی-عشقی به پیروزی عشق ختم می‌شود. فرنگیس، خواهر منیژه، منیژه را به بیژن می‌سپارد و این پایانی خوش برای این داستان می‌شود. با نگاهی کلی به این داستان می‌توان نقش‌آفرینی منیژه در این ستیز را دریافت. در تمامی رویدادها و وقایع منظومه، منیژه نقش کلیدی دارد. دختری جسور که برای رسیدن به عشق و محافظت از عشق از کین خانوادگی دست می‌کشد و سعی می‌کند به هر گونه‌ای که شده، به مقصود خود که داشتن بیژن است، دست یابد.

۳- نتیجه‌گیری

سه رکن توطئه‌گران، توطئه‌باوران و مبنای و مفروضات تحلیل توطئه در ساختار یک توطئه نقش‌پذیر است. هرچند که این مباحث در دنیای امروزی و با توجه به اقتدارگرایان و قدرتمندان و سردمداران جهان سیاست بیش از پیش مورد توجه است، می‌توان ریشه‌های این مسائل را در ادبیات حماسی و سیاسی جهان و ایران هم مورد بررسی و تحلیل قرار داد. یکی از آثار حماسی که به نوعی انتقال از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی است و آن را منسوب به خواجه عمید عطاء بن ناکوک رازی دانسته‌اند، منظومه «بیژن‌نامه» است که به داستان بیژن و منیژه که به نوعی داستانی حماسی-عشقی است پرداخته است. در این مقاله سعی بر این گردید نقش منیژه به عنوان بانویی جنگ‌آفرین و نقش‌ساز در توطئه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. با توجه به تحلیل انجام شده توسط پژوهشگران، منیژه به عنوان بانویی در نظام زن سالار تورانی و با توجه به ازدواج‌های برون‌قبیله‌ای در داستان‌های مربوط به توران زمین، در براندازی حکومت افراسیاب با نشان دادن عشق نسبت به بیژن و رخدادهای مربوط به این عشق خوش‌فرجام، هرچند با سختی‌ها و تنگناهای بسیار، نقش محوری داشته است. با توجه به پژوهش صورت گرفته در سه توطئه رخ داده در این داستان، سمت و سوی هر سه به سوی منیژه است. هموست که با ریختن داروی هوش‌بر در نوش بیژن، توطئه دوم را رقم می‌زند و بیژن را وارد به ماجرای رویارویی با افراسیاب می‌سازد و این توطئه با به چاه افتادن بیژن و طرد شدن منیژه به پایان بدفرجام و ناخوشایند خود می‌رسد. توطئه بعد که نقش منیژه را پررنگ‌تر از پیش نشان می‌دهد، توطئه‌ای است که

علیه افراسیاب رقم می‌خورد و رستم به شکل بازرگان به سرزمین او وارد می‌شود و با نجات دادن بیش و رها ساختن منیژه از دریوزگی به کاخ افراسیاب هجوم می‌برد. همه وقایع حاضر در بیژن نامه حاکی از حضور منیژه به عنوان زنی جنگ‌آفرین دارد، زنی که تا پایان داستان حضور دارد و به نوعی مسبب این وقایع و رویدادها هم قلمداد می‌شود. این پژوهش حاکی از این است که توطئه و تئوری توطئه در داستان‌های حماسی ایران هم نقش دارد و زنان نیز در این مسائل به نوعی نقش‌آفرینی کرده‌اند. می‌توان این منظومه حماسی را از ابعاد و زوایای دیگر سیاسی- اجتماعی هم مورد بحث و بررسی قرار داد.

پی‌نوشت‌ها

۱- در کتاب اودیسه هومر، نوزیکاا به همراه دیگر دختران، جامه‌ها را در آب تیره جای داده‌اند و آنها را بر ریسمانی در کرانه دریا گسترده‌اند و پس از آن سر و تن می‌شویند و روغن گداخته بر تن خود می‌مالند و در کنار کرانه رود خوراک می‌خورند و درنگ می‌کنند تا آفتاب با پرتو خود جامه‌ها را خشک کند. وقتی از خوردن سیر می‌شوند، روپوش‌های خود را می‌افکنند و گوی بازی می‌کنند، نوزیکاوا آهنگ آ. از و پایکوبی را می‌زند. به صدای فریاد آنها، اولیس قهرمان که در کرانه رود خسته از موج‌ها خفته است، متوجه دختران می‌گردد و از بیشه بیرون می‌آید و با نوزیکاا صحبت می‌کند. به دستور نوزیکاوا اولیس را در پناهگاهی جای می‌دهند، جامه‌هایی به او می‌دهند و او را فرا می‌خوانند تا در آب روان سر و تن شوید. نوزیکاوا آرزو می‌کند که اولیس را شوی او بنامند. بعد از هم صحبتی با او، اولیس را فرا می‌خواند و چنین می‌گوید: ای بیگانه برخیز تا به شهر بیایی تا تو را به سرای پدر فرزانه ام ببرم. (نیساری، ۱۳۸۹: ۲)

۲- «در روایت‌های سنتی کهن مردم ارمنستان آمده است که بیژن به خاطر عشق منیژه در غاری در ناحیه فیاتکاران Phyatkaran در ارمنستان زندانی شد. این روایت را موسی خورنی M.Korenaei مورخ ارمنی هم نقل کرده است.» (کویاجی، ۱۳۷۹: ۱۵۳)

منابع

- ۱- اسلامی‌ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۰). **آواها و ایماها**، تهران: انتشارات یزدان
- ۲- ----- (۱۳۶۳). **زندگی و مرگ پهلوانان**، تهران: یزدان
- ۳- اشرف، احمد (۱۳۹۱). **جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران**، ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نی
- ۴- پوپر، کارل رایموند (۱۳۶۳). **حدس‌ها و ابطال‌ها**، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشار
- ۵- جعفری، طیب و زینب چوقادی (۱۳۹۲). «بازشناسی کهن الگوها و عناصر نمادین

در داستان بیژن و منیژه»، فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۸) صص ۱۶۸-۱۵۵

۶- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۹). یادداشت‌های شاهنامه، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

۷- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، جلد پنجم، ص ۶۲۵۸

۸- رستگارفسائی، منصور (۱۳۷۹). فرهنگ نام‌های شاهنامه. مجلد دوم (ش-ی) تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۹- رضایی دشت ارزنه، محمود و فاطمه مصطفایی کرم‌لکی (۱۳۹۵). «نقد و بررسی داستان گشتاسب براساس نظریه توهّم توطئه»، پژوهش‌نامه ادب حماسی، سال دوازدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، صص ۷۳-۵۳

۱۰- سرامی، قدمعلی (۱۳۸۸). از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۱- سرامی، قدمعلی و سیما منصوری (۱۳۹۰). «هفت زینه مهری در هفت‌خوان بیژن»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۱۰۰-۵۹.

۱۲- شمیسا، سیروس (۱۳۹۷). شاه‌نامه‌ها. تهران: هرمس

۱۳- علی نقی، حسین (۱۳۹۰). «تحلیل شخصیت و نقش زنان در داستان‌های شاهنامه»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال سوم، شماره نهم، صص ۸۱-۵۹

۱۴- غفاری هشیچین، زاهد (۱۳۸۰). «تئوری توطئه؛ پدیده‌ای فراگیر و جهانی»، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۱۳۱ تا ۱۴۰

۱۵- غفوری، رضا (۱۳۹۳). «بیژن در روایت‌های حماسی ایران و نکته‌هایی درباره منظومه بیژن‌نامه»، مجله شعر پژوهی (بوستان ادب) سال ششم، شماره سوم، پیاپی، صص ۱۵۶-۱۳۵.

۱۶- ----- (۱۳۹۴). هفت منظومه حماسی (بیژن‌نامه، کک‌کوه زادنامه، ببریان، پتیاره، ته‌مین‌نامه کوتاه، ته‌مین‌نامه بلند، رزم‌نامه شکاوند کوه)، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

۱۷- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۴). شاهنامه فردوسی: متن کامل (براساس نسخه مسکو) تهران: نشر قطره

۱۸- ----- (۱۳۸۶). شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی

۱۹- کاشی، محمد جواد (۱۳۷۶). «تئوری توطئه یا فرایندهای پنهان سیاسی؟» نشریه

تاریخ معاصر ایران، شماره ۳، صص ۲۴-۹

۲۰- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۷۰). *مازهای راز*، تهران: نشر مرکز.

۲۱- کزازی، میرجلال الدین، احمد کریمی، نادر ابراهیمیان (۱۳۹۱). «بررسی مقام و چهره زنان در شاهنامه و ایلید»، *مجموعه مقالات همایش پژوهش‌های ادبی*، دوره ششم.

۲۲- کویاجی، کوورجی (۱۳۸۸). *بنیادهای اسطوره و حماسه ایران*، گزارش جلیل دوستخواه. تهران: آگاه

۲۳- ----- (۱۳۷۹). *آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان*، ترجمه جلیل دوستخواه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۴- گرین، راجر لنسلیین (۱۳۶۸). *افسانه تروا*. ترجمه عباس آقاجانی. تهران: سروش.

۲۵- نصر اصفهانی، محمد رضا و لیلا میرمجبریان (۱۳۸۸). *دو بانوی عشق*؛ مقایسه تحلیلی-انتقادی شخصیت و جایگاه هلن و منیژه در دو حماسه ایلید و شاهنامه. *مطالعات ادبیات تطبیقی*، سال سوم، شماره ۱۲. صص ۱۶۲-۱۳۹

۲۶- نیساری تبریزی، رقیه (۱۳۸۹). «سیمای زن در شاهنامه و ایلید و اودیسه». *مجله نور*، سال اول، شماره نهم.

۲۷- واحد دوست، مهوش (۱۳۷۹). *نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی*. تهران: سروش

۲۸- ویتکین، آنتوان (۱۳۸۴). *نظریه تئوری جهانی*. نشریه سمرقند، شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۳۱-۲۵

29-pipes, Daniel. (1998). **The Hidden Hand: Middle East Fear of Conspiracy**. New York: Martin,s Press.

30-Webster Dictionary. <http://www.merriam-webster.com/dictionary>.